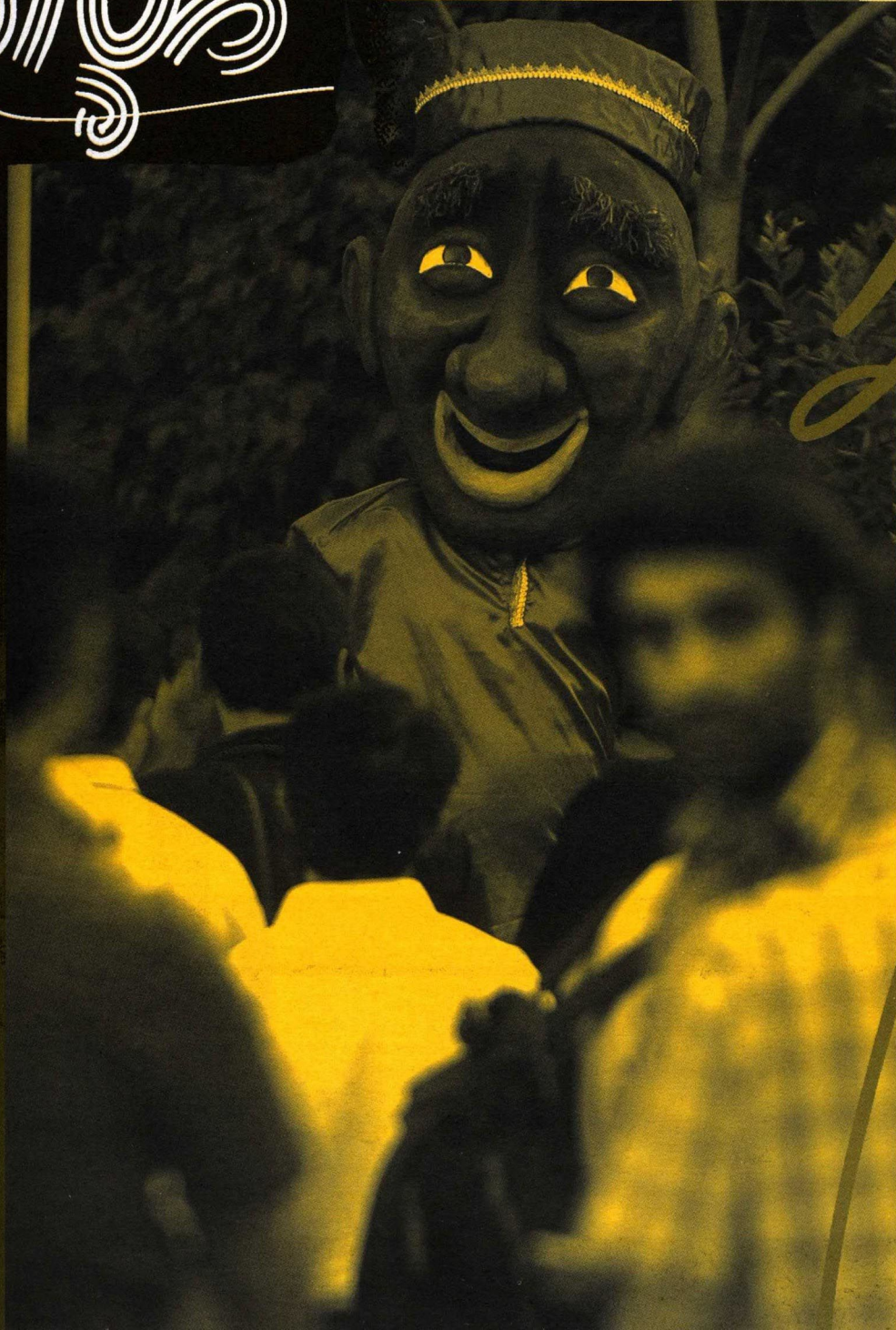




نشریه روزانه یازدهمین جشنواره بین‌المللی نمایش عروسکی تهران - مبارک

سه‌شنبه ۱۴ شهریورماه ۱۳۸۵





من عروسک‌ها را دوست دارم، آنها به وسیله هنرمندان ساخته می‌شوند، به وسیله شاعران نمایش داده می‌شوند. آنها زیبایی ساده‌ای دارند. یک ناآمودگی الهی، چون مجسمه‌هایی که فروتنانه مثل عروسک بازی رفتار می‌کنند تصور کنید که آن‌ها برای آنچه انجام می‌دهند ساخته می‌شوند، طبیعت آن‌ها تقدیر شان را می‌سازد و بدون هیچ‌گونه تلاشی کامل هستند.

«آنا تولد فرانس»

امروز چه می‌بینید؟

تالار اصلی ۲۰/۳۰ و ۱۸/۳۰: سنندباد بحری (وحید شاکری)
تالار چهار سو ۱۹/۳۰ و ۱۷: گاو (حامد زحمتکش و مهدی فرشیدی سپهر)
تالار قشقای ۱۸/۳۰ و ۱۶/۳۰: پیام آفتاب (داود فتحعلی بیگی)
تالار سایه ۱۹ و ۱۶: طوطی پر (زهرا صبری)
تالار کوچک ۱۹/۳۰ و ۱۸: مالیخولیای گذر زمان (خوزه لوئیس ناوارو)
تالار نو ۱۸: انتظار در کافه پارکر (حسین زینالی و مرتضی سعیدیان)

مرکز تولید تئاتر عروسکی کانون ۱۹/۳۰ و ۱۷ : لباس فرفری (مهدیه اخوان نیک)
تالار فردوسی ۲۰: اپرای عروسکی رستم و سهراب (بهروز غریب‌پور)
تالار مولوی ۱۸/۳۰: مثل‌های عروسکی (فرناز بهزادی)
فرهنگسرای اشراق ۱۰ صبح: مرگ مبارک (حامد ذبیحی)
فرهنگسرای بهمن ۱۷: دیوو کچلک (سعید باغبانی)
فرهنگسرای هنر ۱۷: انیمالیا (خوزه و ناوارو)
نمایش‌های خیابانی
تئاتر شهر ۱۷: نه دیگه این واسه ما درس

نمی‌شه (بهناز مهدی‌خواه)
تئاتر شهر ۱۹: کیسه‌جادو (مهدی اسماعیلی)
تئاتر شهر ۲۰: این عروسک مال کیه (ایرج کله‌چاهی اصل)
فرهنگسرای اندیشه ۱۸: رقص چوب (مهدی آشناس و مهدی یوسفی)
فرهنگسرای امیرکبیر ۲۰: خواننده اپرا (علیرضا ناصحی)
فرهنگسرای اقوام ۱۸: لطفاً پنهان نشوید (رجبعلی فلاح)
فرهنگسرای رازی ۲۰: ارايه نمایش‌های ایرانی (ابوالفضل ورمزیار)

گواهی برای شرکت کنندگان کارگاه‌های داخلی

فردا، در چهارمین روز جشنواره تئاتر عروسکی تهران مبارک دو کارگاه تخصصی و یک نشست مطبوعاتی برگزار می‌شود.
روی فراتی، مدیر تئاتر ستم دیدگان پاریس قرار است فردا از ساعت ۹ تا ۱۳ کارگاه خود را با عنوان «از عروسک چه خاطره‌ای داریم؟» در تریای اصلی مجموعه تئاتر شهر بر پا کند.
روی فراتی، کارگردان برزیلی‌الاصل و دستیار آگوستو بوال و بازیگر آریین منوشکین است که امسال و برای نخستین بار میهمان جشنواره تئاتر عروسکی می‌شود.
در این روز همچنین گروه تئاتر لهستان با سرپرستی «اوبولاک والیاک» کارگاه تخصصی «تئاتر ایشیا و کار با عروسک» را در تالار هنر برگزار می‌کند. این کارگاه فردا از ساعت ۱۴ در

این تالار برگزار می‌شود. این گروه لهستانی در جشنواره یازدهم به صورت مشترک با کشور کنیا، نمایش «قصه آفریقایی» را اجرا می‌کند. نشست مطبوعاتی گروه لهستان برای نمایش مسخ به سرپرستی کرزیستف لائو و گروه اجرایی‌اش برگزار نمی‌شود و به جای آن جلسه نمایش قصه آفریقایی برپا خواهد شد.
نخستین کارگاه تخصصی بهرام شاه محمدلو نیز فردا از ساعت ۱۰ تا ۱۳ با عنوان «بداهه پردازی در نمایش عروسکی» در دانشکده هنرهای نمایشی و موسیقی دانشگاه تهران برگزار می‌شود. این کارگاه طی دو روز بر پا می‌شود. کارگاه «نمایشنامه نویسی عروسکی» با حضور ایرج طهماسب نیز طی دوروز آینده ادامه خواهد داشت، در حالیکه کارگاه «بازی با اشیاء» با سرپرستی آتیلا پسیانی امروز به کار خود پایان داد.
نکته جالب اینکه در پایان مدت کارگاه‌های

گروه‌های ایرانی که در پردیس هنرهای زیبا برگزار می‌شود، به هنرجویانی که به صورت ثابت و پیوسته در این کارگاه‌ها شرکت کرده‌اند، گواهی و تقدیر نامه‌ای از سوی مسؤول کارگاه و قائم مقام دبیر جشنواره اهدا می‌شود.

تغییرات در برنامه‌های سالن اصلی تئاتر شهر

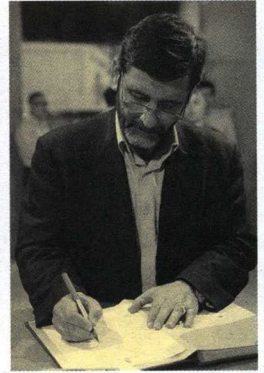
سالن اصلی تئاتر شهر در چند روز آینده با تغییر برنامه رو به رو است. امروز سه شنبه ۱۴ شهریورماه به جای مسخ نمایش سند باد بحری کار وحید شاکری روی صحنه می‌رود.
نمایش مسخ نیز اجرایش به روزهای پنجشنبه و جمعه ۱۶ و ۱۷ شهریور موکول می‌شود.

نشریه روزانه یازدهمین جشنواره بین‌المللی تئاتر عروسکی تهران - مبارک

گروه خبر و گزارش: ندا ال طیب، مریم رضازاده
گروه نقد و مقاله: رضا آشفته، امید بی نیاز، محمدرضا رستمی، آزاده سهرابی، بهزاد صدیقی و مهدی عزیزی
حروفنگار: ابراهیم نجفی
ویراستار و نمونه‌خوان: جواد قاسمی
مدیر فنی و ناظر چاپ: انوشیروان میرزایی
لیتوگرافیک ۱۲۸ - تلفن: ۶۶۹۶۴۱۳۰
چاپخانه و صحافی: نخستین - تلفن: ۶۶۷۰۵۴۶۲

زیر نظر ستاد برگزاری جشنواره
سردبیر: رامتین شهبازی
مدیر هنری: حسین نوروزی
مدیر اجرایی: حمید هنری
دبیر عکس: رضا معطریان
با همکاری رتوفه رستمی
ترجمه: امیلی امرایی
با سپاس ویژه از اسدالله امرایی



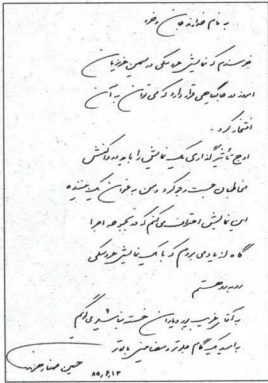


حضور وزیر در جشنواره

صفا هرندی به تماشای اپرای عروسی رستم و سهراب نشست. محمدحسین صفا هرندی، وزیر فرهنگ و ارشاد اسلامی در دومین روز برگزاری یازدهمین جشنواره بین‌المللی تئاتر عروسی تهران - مبارک به تماشای صدنودمین اجرای اپرای عروسی رستم و سهراب به کارگردانی بهروز غریب‌پور نشست. پس از پایان این نمایش، وزیر فرهنگ و ارشاد به همراه محمدحسین ایمانی خوشخو (معاون هنری)، محمد حسین نیرومند (مشاور)، حسین پارسی‌پوری (رئیس مرکز هنرهای نمایشی)، پرویز کریمی (مدیر کل دفتر وزارتی) و مسعود شاهی (رئیس بنیاد رودکی) از پشت صحنه‌ی این اپرا دیدن کردند.

سپس محمدحسین صفا هرندی در گفت‌وگو با نشریه روزانه یازدهمین جشنواره بین‌المللی تئاتر عروسی تهران - مبارک نظر خود را درباره نمایش اپرای عروسی رستم و سهراب چنین بیان کرد: «تماشاگران این اثر در حین اجرا خود را در صحنه وقایع آن حس می‌کنند. به اعتقاد من این احساس در تماشاگر ایجاد می‌شود که با داستان و اثر همراه شود و خود را در همان عصر (رستم و سهراب) احساس کند. این توفیق نصیب کارگردان و عروسک‌گردان هاست که توانسته‌اند، با ارائه خوب و مناسب‌شان این احساس را به تماشاگر القا کنند.»

وزیر فرهنگ و ارشاد اسلامی، پیرامون حفظ و تداوم تأثیر پذیری جامعه از آثاری چون اپرای عروسی رستم و سهراب که برگرفته از فرهنگ ملی و دینی مردم ماست، افزود: «ابتدا باید تئاتر عروسی را به نحو احسن به جامعه معرفی کرد. چرا که شاید بسیاری ندانند که سطح کیفی آثار تئاتر عروسی ما تا این حد ارزشمند و فاخر است. باید فضایی را به وجود آورد تا اقشار مختلف راغب به تماشای آثاری از این دست باشند. سپس وقتی آن‌ها را برای تماشای اثر جدیدتر فرا بخوانیم، راحت‌تر به تماشای نمایش عروسی خواهد نشست.»



صفا هرندی ضمن تأکید بر هوشیاری بهروز غریب‌پور، محتوای این اثر را در پیوند با حافظه تاریخی مخاطب خواند و گفت: «گاهی این احساس به من دست می‌داد که این صحنه‌ها به صحنه عاشورا شباهت دارد. در واقع این اتفاق تصادفی نیست، بلکه ذهنیت کارگردان این نمایش نیز هست که داستان رستم و سهراب می‌تواند یاد آور واقعه عاشورا باشد. این پیوندها می‌تواند یک ذهنیت تازه‌تری از تراژدی را در ذهن بیننده شکل دهد. به اعتقاد من آقای غریب‌پور در این امر موفق عمل کرده است.»

جدول برنامه نقد نمایش‌ها

امروز پس از اجرای چهارنمایش جلسات نقد و بررسی آنها به همت کانون ملی منتقدان تئاتر ایران و همراهی انجمن نمایشگران عروسی برگزار می‌شود. پس از اجرای نمایش «گاو» در تالار چهار سوسو، چیستا یثربی، مینو فرشچی و

مهرداد ابوالقاسمی به بررسی آن می‌نشینند. پس از اجرای نمایش «طوطی پر» در تالار سایه نیز کتابیون حسین‌زاده، اسماعیل پور رضا و مصطفی محمدی به بررسی اثر می‌پردازند. بهزاد صدیقی، مریم شهیدی و محمود توکلی هم منتقدان نمایش انتظار در کافه پارکر هستند که در تالار نو اجرا می‌شود.

میهمان هر شب جشنواره یعنی نمایش رستم و سهراب نیز در تالار فروسی توسط نصرالله قادری، مریم سعادت و صمد چینی فروشان بررسی می‌شود. قابل توجه است که زمان برگزاری جلسات پس از اجرای دوم هر نمایش خواهد بود.

گزارش دومین روز کارگاه نمایشنامه نویسی ایرج طهماسب

دومین روز کارگاه نمایشنامه نویسی عروسی ایرج طهماسب در دانشکده هنرهای زیبا برگزار شد.

ایرج طهماسب در دومین روز کارگاه خود نیز به بیان تفاوت‌های نمایش عروسی با تئاتر عروسی پرداخت. او گفت: «نوشتن نمایشنامه برای نمایش عروسی کار بسیار دشواری است چون نمایشنامه نویس باید همه چیز را با جزئیات کامل بیان کند به همین دلیل توضیح صحنه‌ها بسیار طولانی است چرا که تمام تخیل نویسنده باید روی کاغذ نوشته شود.» طهماسب گفت: «بهتر است نمایشنامه نویس نمایش عروسی مانند انیماتور، تمام ذهنیات خود را نقاشی کند.»

این کارگردان نمایش عروسی ادامه داد: «نمایش عروسی از شعیده بازی می‌آید و از کارهای محیرالعقول. نوعی بازی است که می‌تواند معنا داشته باشد اما معنای آن خیلی مشخص نیست.»

ایرج طهماسب یکی از تفاوت‌های تئاتر و نمایش عروسی را در وجه سرگرم‌کنندگی آن دو دانست و گفت: «نمایش عروسی از تئاتر عروسی سرگرم‌کننده‌تر است و اولین مسأله در این نوع نمایش جذاب بودن آن برای مخاطب است. ضمن اینکه نمایش عروسی از تئاتر عروسی کودکانه‌تر و متعلق به دنیای مدرن است، دنیایی که آدم‌های آن وقت، حوصله کافی ندارند.»

به گفته وی، تئاتر عروسی برای خواندن است چون بر مبنای گفت و گو و کلام انسانی است در حالی که نمایش عروسی چنین نیست. در نمایش عروسی نمی‌توان بین نویسنده و کارگردان تفکیک قائل شد. کارگردان «کلاه قرمزی و پسرخاله» مهم‌ترین رکن نمایش عروسی را در مخاطب شناسی دانست و گفت: «نویسنده باید روحیه، آرزوها و آمال مردم را شناسایی کند.»

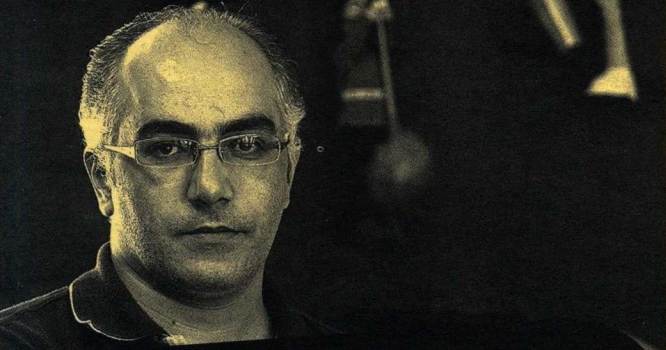
طهماسب گفت: «تاریخ نمایش عروسی نشان می‌دهد نمایش یا تئاتر عروسی از ۲ وجه آمده است یا از خانواده‌ها که جنبه بازی، سرگرمی و آموزش داشته. از سوی دیگر، تاریخ نمایش جهان نشان می‌دهد عروسک‌ها با اجبار آمدند چون بازیگران اجازه نداشتند حرف‌های خاص خود را روی صحنه بگویند بنابراین حرف خود را در دهان عروسک‌ها می‌گذاشتند و این شیوه بویژه در قرون وسطی رواج داشت.» او گفت: «عروسک‌ها در طول تاریخ هرگز نمرده‌اند چون واسطه‌های شیرینی هستند به همین دلیل سردمداران بزرگ دیکتاتورها و مردم در مقابل موجودی شیرین که از ماورا آمده، رها هستند. عروسک‌ها وسیله خوبی هستند برای حرف زدن که اگر آن‌ها را باور کنیم متوجه قدرت خود می‌شویم به همین دلیل هنرمندان عروسی در مقابل بازیگران تئاتر بسیار رها تر هستند.»



شعبه روزانه یازدهمین جشنواره بین‌المللی تئاتر عروسی تهران - مبارک

گفتوگو با علی پاکدست، مدیر اجرایی جشنواره

برای شورایی عمل کردن نیازمند زمان بیشتری هستیم



کردیم، عنوان کردیم گروه‌ها می‌توانند از امکانات کانون استفاده کنند اما اگر دوستان از این امکانات استفاده نکرده‌اند، دلیل‌اش را باید از خودشان پرسید. **در مورد اجرای عمومی نمایش‌ها هم این همکاری وجود دارد؟** آقای حیدری، مدیر مرکز تئاتر کانون پرورش فکری درخواست کردند نمایش‌هایی که با سالن‌های کانون هماهنگی دارند در صورتی که مناسب گروه سنی کودک و نوجوان باشند معرفی شوند تا کانون از اجرای آنها در آن سالن‌ها حمایت کند.

یکی دیگر از مشکلات گروه‌های شرکت‌کننده، کم بودن زمان تمرین است به طوری که معتقدند فاصله بین اعلام نتایج بازیابی و زمان برگزاری جشنواره زمان کوتاهی است.

قبول دارم به دلیل اینکه فراخوان جشنواره دیرتر از سال‌های قبل اعلام شد و باید ۳۵۴ متن مراحل مختلف بازیابی را پشت سر می‌گذاشتند و بعد از آن مراحل بازیابی انجام می‌شد، با کمبود وقت روبه‌رو شدیم اما می‌پذیریم که فرصت تمرین برای گروه‌ها، فرصت کمی بوده است.

با توجه به اینکه امسال برای نخستین بار مدیریت برگزاری جشنواره به شکل شورایی انجام می‌شود، این تجربه را چگونه ارزیابی می‌کنید؟

به هر حال مشورت کردن و استفاده از نظرات گوناگون بسیار مفید است و این خیلی خوب است عده‌ای که کارشناسان نمایش عروسکی هستند تصمیماتی بگیرند که به نفع تئاتر عروسکی باشد اما نظر شخصی من این است که برای شورایی عمل کردن، فرصت کمی داشتیم چون از آن جا که نظرات متفاوتی در شورا مطرح می‌شود، بهتر بود این شورا زودتر تشکیل می‌شد تا زمان بیشتری برای تصمیم‌گیری می‌داشتیم اما چون فرصت کمی داشتیم، بعضی از کارها با روال کندتری انجام شدند.

آیا این احتمال وجود دارد که تصمیم‌گیری در مورد دوازدهمین دوره جشنواره عروسکی همان گونه که قبلاً هم اعلام شده، به مرکز تئاتر کانون محول شود؟

همان‌طور که عنوان کردید قبلاً این صحبت‌ها انجام شده و تصور می‌کنم این بهترین نوع برگزاری جشنواره است هرچند معتقدم جشنواره، بخشی از فعالیت‌های تئاتر عروسکی ما است. مهم‌ترین فعالیتی که باید در دستور کار ما قرار گیرد، تولید تئاتر عروسکی است، تا جشنواره محلی باشد برای اجرای نمایش‌هایی که قبلاً تولید شده‌اند. به این ترتیب، کارها این امکان را پیدا می‌کنند که با فرصت و مطالعه بیشتری تولید و در جشنواره اجرا شوند.

آقای پاکدست! مدتی قبل از روشن شدن وضعیت جشنواره عروسکی، شما به عنوان مدیر مرکز تئاتر عروسکی مرکز هنرهای نمایشی انتخاب شدید. لطفاً کمی درباره فعالیت‌های این مرکز توضیح دهید.

در جلسه‌ای که با آقای پارسایی، مدیر اداره کل هنرهای نمایشی داشتیم، مقرر شد کانون پیشنهادات خود را در مورد انتشار کتاب با انتشارات نمایش در میان بگذارد. همچنین قرار شد با همکاری آقای اطیابی، مسؤول بخش بین‌الملل مرکز هنرهای نمایشی، لیستی از فیلم‌های عروسکی که جنبه آموزشی دارند تهیه و این فیلم‌ها خریداری شوند تا بتوانیم این فیلم‌ها را آرشیو کنیم و در کارگاه‌های آموزشی هم از آنها استفاده کنیم. برنامه‌ریزی‌هایی هم برای برگزاری کارگاه‌های آموزشی در شهرستان‌ها در حال انجام است. با انجمن نمایش خراسان صحبتی انجام داده‌ام و آنها هم کاملاً آمادگی دارند. قرار است معرفی گروه‌ها یا افراد برای شرکت در جشنواره‌های خارجی توسط کانون انجام شود. ضمن اینکه ۰۱ نمایش از دل یازدهمین جشنواره تئاتر عروسکی برای گرفتن اجرای عمومی، توسط کانون انتخاب می‌شوند.

این نمایش‌ها بر چه اساسی انتخاب می‌شوند؟

به زودی جلسه‌ای برگزار می‌کنیم که پس از آن کارشناسانی را برای انتخاب این ۱۰ نمایش انتخاب خواهیم کرد. این کارشناسان درباره انتخاب نمایش‌ها تصمیم‌گیری می‌کنند البته کانون هم به هر حال نظر خود را به این هیأت که هنوز تعداد کارشناسان آن کاملاً مشخص نشده، اعلام خواهد کرد.

تخصیص تالار به این گروه‌ها به چه شکلی خواهد بود؟ آیا همه این ۱۰ گروه باید در تالار هنر نوبت اجرا بگیرند؟

خیر. الزاماً تالار هنر نیست بلکه هر نمایش متناسب با ویژگی‌هایی که دارد، سالن اجرایی می‌گیرد و قرار است با این ۱۰ گروه قرارداد کامل بسته شود.

یکی از مشکلات بزرگ گروه‌ها، نبود کارگاه ساخت عروسک است. کانون برای حل این مشکل برنامه‌ی خاصی ندارد؟

بله. این مسأله، یکی از بزرگترین معضلات نمایشگران عروسکی است. در برنامه‌های کانون، تأمین چنین مکانی را پیش‌بینی کرده‌ایم اما این امر نیازمند زمان کافی است.

برای حل این مشکل، مذاکراتی با مرکز تئاتر کانون پرورش فکری انجام شده است؟

خوشبختانه مرکز تئاتر کانون پرورش، همکاری بسیار خوبی با ما داشتند و ما هم در جلسه‌ای که با کارگردان‌های شرکت‌کننده در جشنواره برگزار

هنر و عروسکی نقد نمایش‌های خرد و خرد

رضا آشفته

نقد نمایش عروسکی تفاوت خاصی با نقد نمایش صحنه‌ای، یا با نقد هر نوع اثر و پدیده هنری ندارد. همان‌طور که در عنوان «نقد نمایش عروسکی» دیده می‌شود، طبق اصول نقد باید یک نمایش عروسکی مورد بررسی قرار گیرد. زمانی این بررسی به یک نقد اصولی و کارآمد دامن می‌زند که از شناخت بهتر و آگاهانه منتقد لبریز شده باشد.

هر منتقدی زمانی می‌تواند جسورانه یک نمایش عروسکی را مورد واکاوی فکری و تکنیکی قرار دهد که از نحوه ساخت و به‌کارگیری عروسک در قالب‌ها و شیوه‌های متفاوت و گوناگون آگاهی داشته باشد. مسلماً مقایسه کار بردی یک ماریونت با سایه، و یک کابوکی با عروسک میله‌ای خاص روسیه و غیره متفاوت است. ظرافت خاص عروسک‌ها و نحوه گرداندن آن‌ها در بازتاب میزان تأثیر پذیری مخاطب مشهود است. هرچه گروه هنری مسلط بر تکنیک‌ها باشد، آن‌گاه در ارائه تفکرات مؤثر نیز پیشگامی خواهد کرد و بالعکس. مطمئناً کار منتقد نمایش عروسکی نیز با توجه به میزان مطالعه و آگاهی به انواع عروسک‌ها و نحوه به‌کارگیری آن‌ها در قالب‌های سنتی و همچنین هنجارگریزی‌های رایج تعیین می‌شود. او باید مو را از ماست بیرون بکشد و سره را از ناسره تشخیص دهد. وظیفه منتقد سندیت و اعتبار بخشیدن به یک اثر هنری و ادبی است. اگر یک کار در خور تامل و توجه است، باید بانقد مصلحانه و منصفانه این اتفاق ایجاد شود. درست است که نقد باید از ساختار و استنجام بی‌رحمانه‌ای تبعیت کند ولی این دلیل رسیدن به معیارهای مشخص و عدالت جویانه نیست. جسارت منتقد نیز در رسوا کردن هنرمند نیست، بلکه این جسارت داعیه‌ی سواد و آگاهی را به‌همراه دارد و با چنین رویکردی می‌توان کاملاً مؤثر بود. کسی که نتواند زشت و زیبا را از هم تشخیص دهد، منتقد نیست. منتقد بالحن آگاهانه و با ارائه دلیل‌ها و منطقی‌های بی‌شمار مخاطب را به‌نقطه درک و دریافت اصولی و کارآمد نزدیک می‌کند. در اصل وظیفه‌ی او آگاهی بخشیدن به مخاطب است. گاهی مخاطب در این فرآیند مطلوب، کسی جز هنرمند و خالق اثر نیست. هنرمندی که نتواند از اثر هنری خود دل بکند نمی‌تواند در تولید یک اثر بی‌نقص مسیر درستی را بییماید. هنرمند نیاز به آینه تمام عیار و شفاف دارد که بی‌شلیله‌پله اثرش را مورد واکاوی قرار دهد. در صورتی که اگر منتقد بی‌سواد باشد و از زبان چرب و متملقی بهره‌برد، آن وقت خیلی راحت فاتحه اثر هنری و هنرمند را می‌خواند و از سوی دیگر به شعور مخاطب توهین آشکار و غیر قابل بخشش می‌کند.

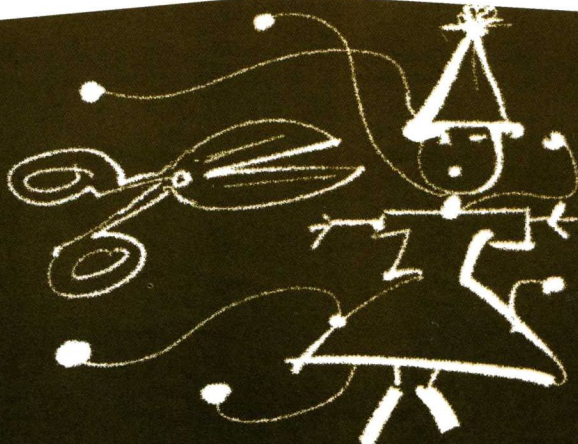
عروسک مهم‌ترین عنصر در جان بخشی به نمایش عروسکی است. باید همه عناصر، ابزار و امکانات انسانی و مادی در همین زمینه تدارک دیده شده باشد. حالا وظیفه‌ی منتقد این است که فرآیند تولید و اجرا را در کنار هم قرار دهد. و با توجه به بازتاب اثر در زمان اجرا به نقد خود سروسامان بدهد. گاهی منتقد جنبه‌های ساختار گرایانه

و فرمالیستی را رویکرد ارتباطی خود با مخاطب قرار می‌دهد. گاهی نیز از شکل نقدهای متفکرانه (روانشناختی، کمونیستی، فمینیستی و غیره) پیروی می‌کند. در هر صورت نقد به گونه‌ای مکمل و تثبیت کننده اثر در جهان خارج از آن است. بنابراین منتقدی در این زمینه مفید واقع می‌شود که از واقعیت جاری در اثر هنری پرهیز نکند، و زیر و بم تکنیک‌ها و شیوه‌اجرائی را مورد واکاوی قرار دهد. گاهی نیز تفکر خارج از حیطه ساختاری اثر مورد کنکاش قرار می‌گیرد و البته بهتر است دلایل فوق‌الذکر توأم باشکلی اجرا باشد تا سندیت و اعتبار مشخصی به شکل اجرا نیز داده شود.

شاید منتقدانی که درگیر نقد متفکرانه می‌شوند، در نگاه اول شکل اجرا را بدون چون و چرا پذیرا باشند و حالا در باره فرآیند تفکر در پس زمینه و لایه‌های پنهانی و چندگانه اثر کنکاش می‌کنند تا از این طریق بتوانند قوه‌ی درک و دریافت مخاطب را تحریک کنند تا آگاهانه‌تر باموضوع ارتباط برقرار شود. مسلماً مخاطب صرفاً برای سرگرم شدن پای یک نمایش عروسکی نمی‌نشیند، حتی سرگرم کننده ترین آثار هنری نیز از یک خط مشی مشخص پیروی می‌کنند. این تبعیت دلالت بر هم‌نشینی با نوعی تفکر دارد. گاهی این تفکر جنبه‌های لذت جویان و مادی راملاک و معیار قرار می‌دهد، و گاهی نیز تفکر به دنبال پویایی و تأثیر در مخاطب می‌گردد. مبنای این دو گرایش متفاوت، زمینه‌ساز بسیاری از جریان‌های اجتماعی و فرهنگی خواهد بود. همین اتفاقات نیز با رجوع به شکل و نحوه به‌کارگیری عناصر و ابزار از وظایف یک منتقد جسور است. او باید مخاطب را نسبت به نکات ریز و درشت یک اثر هنری آگاه سازد. منتقد وظیفه دارد که از ارائه کالاهای هنری بدون تأثیر مطلوب و مخرب انتقاد کند. او نسبت به اجتماع و افراد مستقر در آن تعهد دارد.

باید نسبت به عوارض و زیان‌های آثار نامطلوب و غیر استاندارد واکنش نشان دهد. مسلماً ارائه جنگ‌های هنری دراز مدت ضربه جبران ناپذیری به پیکر جامعه وارد می‌سازد، باید از تولید چنین آثاری در سطح کلان جلوگیری شود. وقتی منتقدان با توجه به ابزار موجود (رسانه‌های جمعی) نسبت به تولید این نوع آثار سر و صدا ایجاد کنند، آن وقت افراد جامعه نیز در مصرف آن‌ها جانب احتیاط را خواهند گرفت. وگرنه در سکوت همه پذیرای زیان‌های جبران ناپذیر یک‌جریان نامطلوب هنری خواهند شد.

با این تفاسیر در می‌یابیم که نقد هر اثری هنری تقریباً از اسلوب مشخصی پیروی می‌کند و این بسته به روحیه و شوق منتقد دارد که در کدام وادی سیر آفاق کند. او باید بتواند مدام اطلاعات خود را به‌روز کند تا در تفسیر، تحلیل و بحث‌های ساختار گرایانه بتواند در مقایسه‌های انجام شده از جدیدترین اطلاعات بهره کافی را ببرد. در عین حال مخاطب نیز در مطالعه یک نقد به دنبال نکات تازه‌ای است که باید از سوی منتقد به آن‌ها توجه شده‌باشد.



گزارشی از چاپ ۵ کتاب عروسی «کیفیت»: شرط اول انتخاب و چاپ

روایت می‌کند که با وجود کمک‌ها و تلاش‌های زیادش، نامادری‌اش او را اذیت می‌کند و کارزبانی از او می‌کشد تا یک روز اتفاقی، با موجود عجیبی مواجه می‌شود و آن فرقه، ماهی را بر پیشانی دخترک حک می‌کند. ماه پیشونی را «مرضیه محبوب» دهه ۷۰ در تئاتر شهر اجرا کرد و با استقبال چشمگیر مخاطبان روبرو شد.

در بخش پژوهش در نمایش‌های آیینی، امسال انتشارات نمایش کتاب «بوکه بارانه و هوله بارانی» را که تالیف پوپک عظیم پور است به چاپ می‌رساند. پوپک عظیم پور، سال‌ها در حوزه عروسک‌های آیینی نمایش ایران تحقیق و پژوهش کرده و نخستین کتاب از این مجموعه را سال ۸۳ با عنوان «تکه» که به آیین عروسی نوید دادن بهار در آذربایجان می‌پردازد، منتشر کرد.

امسال هم عظیم پور همزمان با فرارسیدن یازدهمین جشنواره تئاتر عروسی تهران - مبارک جلد دیگری از این مجموعه گرانتقد پژوهشی را با موضوع «بوکه بارانه و هوله بارانی» به چاپ می‌رساند.

«بوکه بارانه و هوله بارانی» آیین‌های عروسی تمنای باران در مناطق کردنشین هستند. دختران جوان در مراسم بوکه بارانه و پسران جوان در هوله بارانی عروسی می‌سازند، به کوی و برزن می‌روند و از مردم نذر و نیاز می‌طلبند. سپس هم به جشن و پایکوبی می‌پردازند و عروسک‌های خود را به کنار چشمه‌ای می‌برند و در آب رها می‌سازند تا آسمان به خیر خواهی خود باران را بر آنها نازل کند.

این آیین‌ها به اعتقاد اردلان عمیقاً تحت تأثیر آیین‌های تمنای باران با محوریت آناهیتا، ایزد بانوی آب و باروری و تشر ایزد باران است.

اما آخرین کتاب تحقیق و پژوهشی که امسال توسط مرکز هنرهای نمایشی به چاپ رسید، کتاب «نمایش عروسی در هند» است که به قلم هومن بابک نگارش یافته است.

این کتاب به گفته مؤلف آن تنها مقدمه‌ای بر ریشه‌های نمایش عروسی در هند و اصول، روشها و تاریخچه این هنر است.

بابک در بخش نخست کتاب اشاره کرده است که کشور هند جزو بنیان‌گذاران نمایش عروسی در دنیا محسوب می‌شود و متون باستانی این سرزمین گواهی بر این ادعا است.

او معتقد است که تئاتر عروسی در هند ریشه در تفکر عرفانی و حماسی این سرزمین دارد و از این جهت چه به لحاظ متون اجرایی و چه به لحاظ شیوه‌های اجرا تأثیر فراوانی پذیرفته است.

بابک در این کتاب عنوان می‌کند که نمایش عروسی در هند بیشتر کارکردی مذهبی و آیینی دارد و به همین دلیل متون و شیوه‌های اجرایی آن به تمامی کشورهای همسایه نفوذ کرده است.

جواد ذوالقاری، قائم مقام دبیر جشنواره یازدهم تئاتر عروسی که امسال با همراهی شادی پور مهدی و مسوولان انتشارات نمایش و شورای پژوهشی مرکز هنرهای نمایشی، مسؤلیت انتخاب و چاپ این آثار را به‌عهده داشتند در باره چگونگی اولویت‌های انتخاب آثار چاپی این بخش، می‌گوید: «بیشترین حساسیت ما در انتخاب آثار، کیفیت مناسب آنها بود، چون قبل از انتخاب این ۵ جلد کتاب، لیست انبوهی از آثار پیش روی‌مان بود که به‌دلایل مختلف، کیفیت لازم را نداشتند و از میان آنها موفق شدیم تا این کتاب‌ها را به چاپ برسانیم.»

هر ساله در آستانه جشنواره‌های بین‌المللی تئاتر، کتاب‌های پژوهشی، مرجع و نمایشنامه‌های متعددی از سوی ناشران به چاپ می‌رسد. امسال هم در آستانه برگزاری یازدهمین جشنواره بین‌المللی تئاتر عروسی تهران - مبارک، پنج کتاب در حوزه پژوهش و نمایشنامه عروسی توسط انتشارات مرکز هنرهای نمایشی به چاپ رسیده است. در بخش نمایشنامه‌های عروسی شاهد چاپ آثاری چون: «ماه‌پیشونی» نوشته مرضیه محبوب و «داستان لطیف» نوشته ایرج طهماسب هستیم. همچنین دو نمایشنامه «قصه تلخ طلا» و «دد و جونور» به قلم بهروز غریب پور، نمایشنامه‌هایی هستند که به تازگی توسط این انتشارات چاپ می‌شوند.

در کنار این چهار نمایشنامه عروسی، امسال دو کتاب پژوهشی که یکی به «نمایش عروسی در هند» و دیگری که به آیین‌های عروسی - نمایشی خطه خراسان می‌پردازد نیز چاپ می‌شوند.

«قصه تلخ طلا» نمایشنامه‌ای است که غریب پور سال ۱۳۶۴ آن را بر اساس قصه‌های قدیمی ایران نوشت و همان زمان در یک جنگ ادبی به چاپ رسید و این بار با یک بازنویسی دوباره توسط انتشارات مرکز هنرهای نمایشی چاپ می‌شود. «قصه تلخ طلا» داستان یونس و همسرش هانیه است که از مردمان فقیر یک ده ساحلی هستند و به باور خودشان و دیگران بختشان در این ده طلسم شده است و قریب به یک سال است که دریا روی خوشی به آنها نشان نمی‌دهد.

همسایه‌ها در این مدت از سفره ناچیز خود سهمی به این دو می‌دهند و با این زن و شوهر هم‌دردی می‌کنند، اما گاهی هم برخی از آنها با نیش و کنایه، هانیه را می‌رنجانند و به او یادآور می‌شوند که زندگیشان سربار دیگران است، تا اینکه عاقبت دریا به حال آنها به‌رحم می‌آید و ماهی طلایی افسانه‌ای را به تور مردماهیگیر می‌اندازد و...

غریب پور معتقد است که این اپرت را براساس قصه‌های ایرانی نوشته است که هم قابلیت اجرای عروسی و هم صحنه‌ای را دارد، به‌طوری‌که خودش در حال حاضر مشغول تمرین نمایش برای اجرای صحنه‌ای توأم با موسیقی است.

«دد و جونور»، دیگر نمایشنامه‌ای که به قلم غریب پور قرار است در یک جلد به همراه قصه تلخ طلا به چاپ برسد، حدود ده سال پیش توسط او نوشته شده است. این نمایشنامه نیز هم قابلیت کار سینمایی و هم اجرای صحنه‌ای - عروسی را دارد.

«دد و جونور» داستان پسرک شیطانی است که در سرزمینی با نشانه‌هایی از معماری ایرانی زندگی می‌کند و همه را با شیطنت‌های خود به تنگ آورده است و هر روز کسی گریبان مادرش را می‌گیرد و با این کار مادر را به تنگ می‌آورد تا او به پیر مردی متوسل می‌شود که با آیین‌خوانی به او می‌گوید که آینده‌ای روشن در انتظار «ددو» است.

غریب پور معتقد است که این دو نمایشنامه جزو کارهایی هستند که درحال حاضر به‌راحتی امکان اجرای آنها در تهران و شهرستان‌ها وجود دارد.

«داستان لطیف» دیگر نمایشنامه‌ای است که امسال به چاپ می‌رسد. این اثر که توسط ایرج طهماسب نوشته شده یک بار با کارگردانی وی در مجموعه تئاتر شهر با تکنیک سیاه اجرا شد و جزو کارهای موفق عروسی در زمان خود بود.

خواججه لطیف تنبورزن، سال‌ها عمرش را به نواختن گذرانده و پنجه گرم و صدای دلنشینی دارد، اما به اصرار زنش مجبور می‌شود به دریا برود و ماهی بگیرد ولی تور ماهی گیری‌اش را آب می‌برد و او غمگین بر لب دریا تنبور می‌نوازد که ناگاه ماهی طلایی از صدای ساز او ظاهر می‌شود و از او می‌خواهد که هر آرزویی دارد بگوید تا ماهی برآورده کند.

آخرین نمایشنامه‌ای که امسال توسط مرکز هنرهای نمایشی چاپ می‌شود، افسانه قدیمی و معروف «ماه‌پیشونی» است که داستان دختر زحمتکشی را



شریه روزانه یازدهمین جشنواره بین‌المللی نمایش عروسی تهران - مبارک

تئاتر عروسکی روسیه وام‌دار ابراتسف

هزار نسخه آرشویی از اجراها، عروسک‌ها و تصاویر استادان به نام تئاتر عروسکی وجود دارد، یادداشت‌های ابراتسف در باره تئاتر، یادداشت‌هایی درباره نحوه ساخت عروسک و نمایشنامه‌هایی که نوشته بود، به انضمام آرشوهای تصویری از هشت دهه فعالیت این مرکز. مرکز آکادمیک تئاتر عروسکی روسیه همه ساله میزبان بیش از ۲۰ گروه نمایشی از کشورهایی همچون لهستان، آلمان، استرالیا و ... است.

بسیاری معتقدند، او شیوه عروسک گردانی نخی را متحول کرد، عروسک‌های او با ده‌ها نخ از هر سو قابل انعطاف و حرکت بودند، طوری که در طول اجرا این تنها صورت عروسک نبود که مخاطبان می‌توانستند آن را بر روی صحنه ببینند و هر یک از عروسک‌ها را حداقل بیش از ۲ عروسک گردان کنترل می‌کردند. از طرفی قصه گو در اجراهای او نقش به‌سزایی داشت، با این حال دوستان او معتقدند با وجود تسلط ابراتسف به همه عرصه‌های عروسک گردانی او شخصا علاقه خاصی به عروسک‌های دستکشی داشت

بی‌شک کشور روسیه در حال حاضر در عرصه تئاتر عروسکی یکی از پیشگامان محسوب می‌شود، در حال حاضر بیش از ۱۰۰ مرکز تئاتر عروسکی در این کشور وجود دارد و گروه‌های مختلفی در طول سال

در تمامی مراکز فرهنگی به اجرای برنامه می‌پردازند. اما اوج این اتفاق در کریسمس و زانویه است. نمایش‌های شاد عروسکی که در کناره رود و کنار پل‌های بی نهایت شهر سن پترزبورگ رسیدن سال نو را نوید می‌دهند و پتروشکا عروسک باستانی روسی که پیشینه‌ای بیش از ۴۰۰ سال دارد تمام افسانه‌های باستانی کشورهای آسیایی را برای دوستدارانش روایت می‌کند. تئاتر عروسکی در کشور روسیه و به‌خصوص شهر سن پترزبورگ آن قدر به وفور دیده می‌شود که حتی توریست‌ها و مسافران نیز از دیدن‌اش بی نصیب نمی‌مانند. بعد از سال نو، در ماه ژوئیه و همزمان با ماه تولد پدر عروسک گردانی و تئاتر عروسکی روسیه نیز جشن‌هایی در قالب اجراهای عروسکی برگزار می‌شود، سرگئی ابراتسف نامی است که کمتر روسی و حتی اهل شوروی سابق آن را نشنیده‌باشد، بسیاری او را استاد خیمه شب‌بازی در قرن بیستم می‌دانند، او تاریخ ۴۰۰ سال عروسک گردانی در روسیه را دوباره با ذهن خلاق‌اش احیا کرد، مرکز آکادمیک ملی تئاتر عروسکی روسیه در حال حاضر یکی از معتبرترین مراکز فرهنگی روسیه محسوب می‌شود. این مرکز سال‌ها پیش به همت او گشایش یافت طی هشت دهه اخیر به جرأت می‌توان گفت که بیش از نیمی از کسانی که در این شهر زندگی می‌کنند، حتما از نمایش‌های این مرکز دیدن کرده‌اند، اغلب هنرمندان و سیاستمداران جهان که به مسکو سفر می‌کنند قطعا سری هم به این تالار زده‌اند و سونیا گاندی، سوفیا لورن کندی و ... سرگئی ابراتسف سال ۱۹۰۱ در روسیه چشم به جهان گشود، او از کودکی به عروسک‌ها علاقه‌مند بود. درست وقتی شش ساله بود و با مادرش برای تماشای خیمه شب‌بازی به چادرهای کنار پل کوزینتسکی سرک می‌کشید، مسحور حرکت عروسک‌هایی شد که با نخ‌هایی در دست عروسک گردان این سو و آن سو می‌شد و خنده بر لب می‌آورد لئیر آختاف دستیار و عروسک گردانی که او را از سال ۱۹۳۱ همراهی می‌کرد درباره راز ماندگاری ابراتسف می‌گوید: «عروسک‌هایی که او حرکت می‌دهد در نخستین نگاه بچه‌ها را سرگرم می‌کردند، اما کمی که گوش‌ات را تیز می‌کردی متوجه می‌شدی که در پس حرف‌های این عروسک نقدهایی است که حیرت مادرها و پدرهایی که بچه‌هایشان را برای تماشای یک تئاتر عروسکی ساده آورده بودند، بر می‌انگیخت. ابراتسف نیز همانند اغلب کارگردان‌ها و نمایشنامه‌های تئاتر عروسکی از داستان‌های فولکلور استفاده می‌کرد. علاء‌الدین، پری دریایی، گربه چکمه‌پوش و ... کاراکترهای اصلی نمایش‌های او بودند.

ابراتسف معتقد بود: «عروسک‌ها برای من فقط در ظاهر هستند، عروسک‌ها تنها یک سرگرمی کوچک هستند برای بچه‌ها که خودشان هم به تنهایی از عهده حرکت عروسک‌های دست‌کشی و قصه پردازی برای آنها بر می‌آیند، اما این حرف زدن از دنیای امروز و کمبودهای دنیا است که به عروسک‌ها معنا می‌بخشد، آنها با توان کم شان حرف‌هایی به وسعت دنیا می‌زنند.» در حال حاضر مرکز آکادمیک ملی تئاتر عروسکی روسیه سالانه میزبان دهها گروه تئاتر عروسکی خارجی است که در این مرکز معتبر به اجرای نمایش‌های عروسکی می‌پردازند، هر سال بنیاد تئاتر ابراتسف در اوایل ماه سپتامبر گروه‌های تئاتری را از سراسر جهان به مسکو دعوت می‌کند، تا عروسک‌های خیمه شب‌بازی و تئاتر عروسکی به یاد ابراتسف به حفظ و اشاعه این هنر بپردازند.

گروه‌هایی که به این مرکز دعوت می‌شوند، علاوه بر اجرای برنامه می‌توانند در طول اقامت شان از کتابخانه پربراری که در زمینه هنرهای نمایشی به همت او در بنیادی که حال به نام ابراتسف است، استفاده کنند. در این مرکز بیش از ۶



و این علاقه را مربوط به روزگار کودکی و حس نوستالژی او نسبت به روزگار کودکی‌اش می‌دانستند. ابراتسف علاوه بر مهارت در اجرا، ساخت عروسک و مدیریت در زمینه تألیف درباره تئاتر عروسکی نیز آثار تأثیرگذاری به جا گذاشته‌است: آثاری همچون «عروسک گردان و عروسک»، «حرفه‌من»، «آنچه که در سفر لندن از تئاتر فهمیدم» و ... او بارها به‌عنوان رئیس افتخاری اتحادیه عروسک‌گردانان انتخاب شد و در طول زندگی‌اش جوایزی همچون جایزه نیشن را دریافت کرد.



گفت و گو با حمید جبلی عضو شورای سیاستگذاری جشنواره

مهربان، ساده و دوست‌داشتنی رویه‌رویم می‌نشیند. وقتی حرف می‌زند انگار همه عروسک‌های دنیا شروع به حرف زدن می‌کنند، صدایش محبوب‌ترین عروسک‌ایرانی را برای دونسل بچه‌های ایرانی خلق کرده‌است. حمید جبلی در جشنواره یازدهم تئاتر عروسکی تهران به کمک عروسکی‌های تئاتر آمده و به‌روی یکی از صندلی‌های شورای سیاستگذاری نشست است. آمدنش غنیمت است و گفت‌وگو با او خاطرات سال‌های دور را که با ایرج طهماسب، بهرام شاه محمدلو، مرضیه برومند و رضا بابک به تئاتر شهر می‌آمدند و نمایش‌های عروسکی همچون یک جوجه کلاغ، ماه پیشونی و زال و سیمرغ را اجرا می‌کردند دوباره زنده می‌کند.

* آنچه که برای نمایشنامه‌نویس در نوشتن برای عروسک اهمیت دارد چیست؟

در نوشتن نمایشنامه عروسکی مهمترین موردی را که باید در نظر داشته باشیم درام است، که خود ساختمان یک اثر نمایشی تعریف می‌شود. در سینما، تئاتر و حتی یک برنامه آگروبات یک ساختمان دراماتیک به‌عنوان نخستین عامل وجود دارد. در درام نمایشنامه عروسکی باید کاربرد عروسک مشخص باشد. گره‌های درام این متون توسط عروسک شکل می‌گیرد و باید توسط عروسک اجرا شود مثلاً یک دعویایی که بین حشره و مہتاب صورت می‌گیرد نمی‌تواند هنرپیشه آن اتفاق را نمایش کند. عروسک این درام را به بهترین شکل اجرا می‌کند. یک نمایشنامه عروسکی با دارا بودن ساختمان دراماتیک مستلزم داشتن ویژگی‌های عروسکی است. می‌توان گفت که آرتیست‌های نمایشنامه عروسکی عروسک‌ها هستند.

* ساختار اجرایی یک نمایش عروسکی ارتباطی با نمایشنامه نویس در زمان نوشتن دارد؟

نمایشنامه وقتی نوشته می‌شود به کارگردان سپرده می‌شود تا ساختارش را شکل دهد. هر نمایشنامه‌ای احتیاج به یک نوع عروسک دارد. نمایشنامه‌ای را که با عروسک بزرگ اجرا می‌شود نمی‌توان برای اجرا با عروسک‌های انگشتی یا دستکشی در نظر داشت و همه اینها به متن بستگی دارد. نویسنده نمایشنامه عروسکی قطعاً باید عروسک و شیوه‌های اجرایی‌اش را بشناسد. و باید بداند که عروسک چه کاربردهایی دارد.

* وقتی از نمایش عروسکی صحبت می‌شود ذهنیت عام، نمایش برای کودک را تصور می‌کند. نوشتن نمایشنامه عروسکی برای کودک و بزرگسال چه تفاوتی دارد؟

در تئاتر عروسکی می‌توان آثار معنوی را با اجرای عروسک برای بزرگسال اجرا کرد. نمایشنامه نویس که می‌خواهد برای کودک بنویسد باید کودک را بشناسد. آنچه را که می‌نویسد برای چه سنی از کودک و نوجوان قابل درک است. نمایشنامه نویس باید حیطه ذهن مخاطب را شناسایی کند. در آثار عروسکی بزرگسال ریتم متفاوت را با کارهای کودک شاهدیم. چرا که کودک احتیاج به ریتم تند و موضوع جدید دارد اما بزرگسال با مفاهیم فلسفی و ریتم کند می‌تواند نمایش را دنبال کند.

* نمایشنامه‌های عروسکی که برای بزرگسالان نوشته و اجرا می‌شود تابع مفاهیم عمیقی است. دلیل این مفهوم‌گرایی در



درام برای عروسک‌ها

چیست؟

وقتی برای اجرایی ما عروسک در اختیار داریم یک امکاناتی بیشتر از هنرپیشه خواهیم داشت و امکاناتی هم نخواهیم داشت. یک عروسک می‌تواند پرواز کند، جمع شود، دست و پایش از هم جدا شود و... اینچنین کارهایی را یک هنرپیشه نمی‌تواند برای تماشای خلق کند. آن نویسنده‌ای که می‌خواهد بنویسد و کارگردانی که نمایش را اجرا می‌کند از این خاصیت در رسیدن به مفهوم و مباحث عمیق و فلسفی استفاده می‌کنند.

اقراتجف روسی آثارش خیلی عمیق‌تر از آن چیزی است که دیده می‌شود. او به‌دنبال مفاهیم عمیق می‌رود تا سرگرم کردن تماشاچی.

* با نگاهی به آمار اجراهای عروسکی در چند سال اخیر به کمبود اجرای این نمایش‌ها می‌رسیم، این کمبود به فقر نوشتن برای عروسک ارتباطی دارد؟

تئاتر عروسکی همچون هنرهای دیگر به عرضه و تقاضا بستگی دارد، پس این کمبود به تقاضای کم مربوط می‌شود. متأسفانه یا خوشبختانه با وجود رسانه‌هایی همچون سینما، تلویزیون و بازیهای کامپیوتری تخیلی که در گذشته توسط عروسک اجرا می‌شد در این عرصه‌ها اجرا می‌شود. امروز کار برد عروسک کمتر شده است. در واقع اوج و شکوه عروسک زمانی بود که این رسانه‌ها نبودند. نباید با کم رونق بودن این هنر، آن را کنار بگذاریم. یکی از هنرهای پرتوان ما در عرصه نمایش، تئاتر عروسکی است. باید مشکل این آمار را در جایی دیگر جست‌وجو کرد.

قطعا با متن‌های خوب که ویژگی اجرایی زنده و نگاه انتقادی را داشته باشد می‌توان از انیمیشن‌های والت دیزنی پیشی گرفت.

* شما در عرصه نمایش عروسکی، عروسک گردانی و گویندگی برای عروسک کرده‌اید وقتی که به جای عروسکی صحبت می‌کنید چه اندازه از متن نمایشنامه برای شخصیتی که می‌خواهید خلق کنید و نام می‌گیرید؟

عروسک‌گردان و گوینده نباید در اجرا ساختمان کار را برهم بزند و شخصیت پردازی در چارچوب ساختمان دراماتیک شکل می‌گیرد. من و طهماسب در کارهایمان بیشتر خودمان نوشتیم و اجرا کردیم و خیلی وقت‌ها از بداهه سازی در حوزه حدود خود حرکت کردیم. باید بگوییم که بداهه سازی برای عروسک در جزئیات موفق است.

* در کارهایی که نوشته‌اید و اجرا کردید موفق بودید یا در کارهایی که به‌عنوان مکمل حضور داشتید؟

هرچه در کاری کم رنگ‌تر باشید به کار کمتر نزدیک هستید. اما وقتی که بنویسی، اجرا کنی و برای عروسک حرف بزنی به کار نزدیک‌تری.

* نخستین بار که برای عروسک حرف زدید و نوشتید کدام بود؟

نخستین بار بجای کپل مدرسه موش‌ها حرف زدم و مجموعه خاله قورباغه را هم به‌عنوان نخستین متن عروسکی نوشتم.

* چندین سال است که کار عروسکی در تئاتر انجام ندادید. آیا کنار گذاشتید؟

هرگز، وقتی که تئاتر کار می‌کنیم مشکل است که کارهای دیگر انجام شود. نبودن در این عرصه دلیل خاصی ندارد.

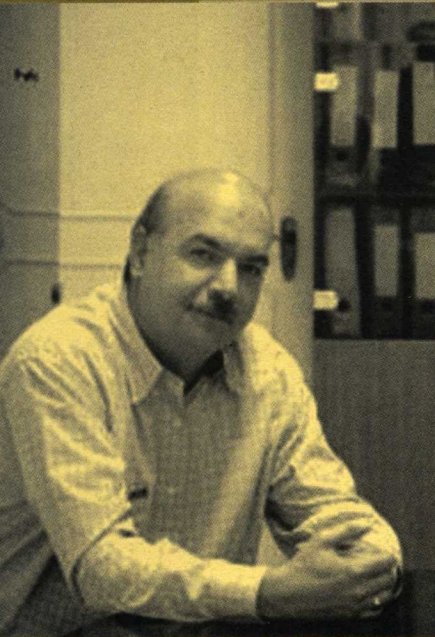
* فرصتی ایجاد شود با عروسک‌ها به صحنه تئاتر می‌آیید؟

بله، حضورم در این جشنواره به‌خاطر علاقه به تئاتر عروسکی است.



گفت‌وگو با ایرج طهماسب درباره انتشار نمایشنامه داستان لطیف

داستان لطیف



بیاموزد.
چند نمایشنامه نوشته‌اید
و چه تعداد آنان منتشر
شده‌است؟

- سه نمایش‌نامه عروسی
نوشته‌ام. اولی «داستان خرسی
که می‌خواست خرس بماند»
که یک اثر اقتباسی بود و در
سال‌های بعد از انقلاب اجرا شد.
دومی داستان لطیف است که
اینک در اختیار دارید و چندین
سال بعد نوشتیم و نمایش‌نامه
«فریاد طوطی» هم هست
که می‌خواهم بعد از اجرای آن
چاپ‌اش کنم.
مابقی نوشته‌هایم، سریال‌های
تلویزیونی عروسی یا سینمایی
بوده‌اند که امیدوارم روزی چاپ
بشوند.

فرستی باشد برای
عروسک‌ها خواهید نوشت؟

- امیدوارم عروسک‌ها دوباره به سراغم بیایند و وادارم کنند تا
قصه زندگیشان را بنویسم. همیشه گفته‌ام این قصه‌ها هستند
که نویسنده‌ها را به این سو و آن سو می‌کشانند.
بعضی قصه‌ها تئاتری، بعضی عروسی، بعضی فیلم هستند.
امیدوارم قصه عروسک‌ها به‌سراغم بیاید. البته مهم این است که
عروسک‌ها باشند. روی صحنه، روی پرده سینما، یا روی صفحه
تلویزیون. در تمام این سال‌ها تلاش کرده‌ام عروسک‌ها باشند.

درباره این نمایشنامه بگویید؟

- داستان لطیف، سرگذشت تنبور نواری است که عاشقانه
می‌نوازد و می‌خواند اما زنی دارد که از او خواسته‌های بی
شماری دارد.

عاقبت آرزوهای زیاد، سرانجام ناخوشایند است!

نمایشنامه داستان لطیف به قلم ایرج طهماسب هم‌زمان با برگزاری جشنواره
توسط مرکز انتشارات نمایش مرکز هنرهای نمایشی وزارت ارشاد به چاپ
رسید. این بازیگر، کارگردان و نویسنده در آفرینش عروسک‌ها تجربه سه
دهه‌ای دارد. او از دهه هفتاد به‌سراغ عروسک‌ها نرفته است و عرصه سینما را
برای فعالیت‌های هنری‌اش انتخاب کرده است.
گفت‌وگوی ذیل با ایرج طهماسب درباره این نمایشنامه‌ی منتشر شده‌است.

نوشتن این نمایشنامه در چه دوره‌ای از کارهای شما
شکل گرفته و چه سرانجامی داشت؟

- نخستین نمایشنامه‌ای که نوشتم «داستان خرسی که می‌خواست
خرس بماند» موضوعی کاملاً جدی داشت. . . اصلاً از اول هم
فکر می‌کردم می‌شود با عروسک‌ها حرف‌های مهمی زد. سال‌ها بعد
پایان‌نامه دانشگاهم نیز اجرای نمایش «استریپ تیز» نوشته مروژک
بود که با تغییراتی در متن آن را اجرا کردم برای دانشگاه و جشنواره.
به‌وضوح دیدم که استقبال خوبی از اینگونه آثار می‌شود. سال‌ها بود که
با عروسک در تلویزیون برای بچه‌ها برنامه اجرا می‌کردم. مدت‌ها بود
دل‌م لک زده بود که یک نمایش عروسی جدی برای بزرگسالان اجرا
کنم. تا به پیشنهاد مرکز هنرهای نمایشی و اختصاص بودجه عروسی
شروع به کار کردم. اصل داستان را درست یادم نیست از کجا پیدا
کردم. حدس می‌زنم مربوط می‌شد به دوره خواندن افسانه‌های کهن.
داستانی بود که در آن ماهیگیری، ماهی طلایی می‌یافت که زندگی‌ش
را عوض می‌کرد.

از طرفی شعر خیام و اینکه ما لعبتکانیم و در یک صندوق هستیم و
بعد موسیقی خراسانی که واقعاً وحشی و دلنشین بود و خلاصه همه
چیز دست به دست هم داد که داستان لطیف شکل بگیرد.

نوشتن برای عروسک لازمه چه مولفه‌هایی است؟

- لازمه نویسندگی نمایش‌نامه عروسی احاطه به دانش عروسی
است. باید گونه‌های مختلف نمایش عروسی را بشناسید. اما از اینها
مهم‌تر به تخیل احتیاج دارید. شما باید درباره چیزهایی بنویسید که در
واقعیت وجود ندارد و تخیل به شما کمک می‌کند.

باید بدانید که نمایش عروسی بسی گسترده‌تر و فراتر از اجرای تئاتر
است. عروسک هر چیز می‌تواند باشد غیر از بازیگر تئاتر و یک صحنه
واقعی! نمایش‌نامه عروسی نوشته‌ای است چیزی بین نمایش‌نامه
تئاتری و سناریو.

ساختار عجیبی دارد!

انتشار نمایشنامه عروسی، چه نتیجه‌ای را در حوزه هنر
نمایش دارد؟

- نمایش‌نامه نویس عروسی به تعداد انگشت دست داریم. چراش
را نمی‌دانم. شاید چون نوشتن تخیل کار دشواری باشد. اما انتشار
نمایش‌نامه عروسی می‌تواند نوع نگارش را به علاقه‌مندان این رشته



گفت‌وگو با زهرا صبری، کارگردان نمایش «طوطی پر»

نویسنده این نمایش مولانا است

صبری معتقد است: «ساخت عروسک همچنان مشکل بزرگی است و هیچ راهی برای آن متصور نیست. ساخت کارگاه که عملی نیست و حتی اگر عملی باشد کارگاه باید شبانه روزی کار کند.» این کارگردان تئاتر عروسکی می‌گوید: «همیشه بچه‌های عروسکی با این مشکلات کنار آمده‌اند اما امیدوارم روزی برسد که این نگاه تحقیرآمیز از روی این رشته برداشته شود.»



بنابراین نمایش با تکنیک‌های مختلفی اجرا می‌شود.» تجربه‌ای که صبری به موفقیت آن امید وار است.

صبری هم مانند بسیاری دیگر از کارگردان‌های شرکت‌کننده در جشنواره از گرفتن کمک هزینه اولیه خوشحال است اما به اعتقاد او مشکل دیگری که همچنان وجود دارد، فرصت اندک گروه‌ها برای تمرین است: «وقتمان خیلی کم است. تعداد عروسک‌ها زیاد است و با این زمان کوتاه، آماده کردن نمایش برای اجرا در جشنواره، کار آسانی نبود.»

او توضیح می‌دهد: «زمان کم به خاطر ساعتهای تمرین نیست به‌خاطر روزهای کمی است که تا جشنواره داشتیم که امیدوارم برای دوره‌های بعدی، نتایج مرحله بازیابی زودتر اعلام شود.» صبری هم مانند بسیاری از شرکت‌کنندگان در جشنواره عروسک‌ها را در منزل شخصی خود می‌سازد: «با سیما میرزاحسینی، عروسک ساز گروه تقسیم‌کار کرده‌ایم و عروسک‌ها را در خانه‌های خودمان در میان بوی چسب، رنگ و... می‌سازیم به‌طوری که همه وسایل ساخت عروسک با وسایل خانه و زندگی مان آمیخته شده‌است.»

همان داستان «طوطی و بازرگان» مولانا است منتها با نگاه زهرا صبری و این چنین است که صبری می‌گوید: «نویسنده این نمایش مولانا است.» عنوان ابتدایی نمایش، «تحویل دل» بوده است اما بعد زهرا صبری ترجیح می‌دهد اسم نمایش را «طوطی پر» بگذارد که بیشتر یادآور داستان طوطی و بازرگان است. نمایش دیالوگ ندارد: «ماجرای آن نگاه یک ماهی گفته می‌شود و مخاطب ماهی هم باد است. یعنی باد است که داستان را می‌شنود.»

داستان اما داستان آشنایی است و صبری هم دقیقاً روی همین آشنایی مخاطب با داستان اصلی حساب می‌کند و می‌داند که مخاطب می‌تواند با داستان نمایش ارتباط برقرار کند. صبری می‌گوید: «شعرهای مولانا آن قدر زیباست که نمی‌خواستیم تبدیل به کلام و دیالوگ شود. می‌خواستیم قلم شیوای مولانا تبدیل به تصویر شود.» او هرچند مخاطبان نمایش را بزرگسالان می‌داند اما معتقد است مخاطبان کودک و نوجوان هم می‌توانند با کار، ارتباط برقرار کنند. صبری درباره عروسک‌های نمایش‌اش می‌گوید: «عروسک‌های کارم کوچک هستند و نوعشان با یکدیگر متفاوت است: انگشتی، میله‌ای و ...

گفت‌وگو با حامد زحمتکش کارگردان نمایش «گاو»

ایده‌های کاغذی در نمایش «گاو»

قصه برداشتن خط‌کشی‌ها و مرزها و از بین رفتن جنگ را مطرح می‌کند: «در واقع نمایش «گاو» داستان دو مردی است که با دو چمدان به ناکجا آبادی سفر می‌کنند و ناگهان گاوی وارد زندگی این دو می‌شود و آن را تغییر می‌دهد. که گروه‌ها این مفهوم را با یک تکنیک نسبتاً جدید همراه کرده‌است.»

وی در توضیح این تکنیک که ترکیبی از اجرای عروسکی و زنده‌است، می‌گوید: «تکنیک اصلی ما در اجرای «گاو» شیوه عروسک کاغذی است که در عین حال تلفیقی از بونراکو را نیز همراه دارد و فکر می‌کنم که در صورت تداوم پیدا کردن آن در میان گروه‌های کودک، می‌تواند سرآغاز همان جنبش مورد نیاز در این عرصه شود.»

وی می‌گوید: «وقتی که شروع به تمرین نمایش و اجرا و تست شیوه کاغذی کردیم، خیلی مطلع نبودیم که در دنیا این شیوه رایج است. تا اینکه با حضور ژان لوکوک در جشنواره عروسکی دانشجویان، متوجه شدیم که او این شیوه را در تمام دنیا معرفی می‌کند و خوشبختانه گروه‌ها هم این فرصت را پیدا کرد تا ماکت‌های نمایش را به او نشان دهد و ایشان هم پیشنهاد معرفی گروه ما را در سایت شخصی خودش داد.»

«نمایش کودک نیاز به یک جنبش در محتوا و تکنیک دارد» این جمله‌ای بود که حامد زحمتکش، یکی از کارگردان‌های نمایش عروسکی «گاو»، با تأکید زیادی گفت.

زحمتکش که سال‌ها در حوزه تئاتر کودک فعالیت داشته و برای نخستین بار کارگردانی در عرصه تئاتر عروسکی را تجربه می‌کند با اشاره به نمایش‌هایی که این روزها در تالار هنر به‌عنوان تنها مرکز حرفه‌ای تئاتر کودک اجرا می‌شوند، می‌گوید: «امروزه تمامی نمایش‌هایی که در این تالار به صحنه می‌روند در یک ژانر و یک سیستم ثابت حرکت دارد و هیچ‌کدام به لحاظ محتوایی و تکنیکی حرف جدیدی ندارند.»

وی با اعتقاد بر اینکه عملکرد کارگردان‌ها، سلیقه تماشاگران را رقم می‌زند، افزود: «همواره کارگردان‌های کودک، نمایش‌هایی با مضامین شادی آور را در دستور کاری خود قرار می‌دهند و با این رویه سلیقه تماشاگر را در یک سطح نگه داشته‌اند. و تلاشی برای بالابردن آن نکرده‌اند، به‌همین دلیل این بار با اجرای نمایش عروسکی «گاو» روی به یک مضمون نسبتاً ترازیک آورده‌ایم و آن را با تکنیک جدیدی توأم کردیم.»

زحمتکش، معتقد است محتوای اصلی نمایش «گاو» داستان صلح است و



نگاهی به نمایش عنکبوت پروانه‌ای، کار افشین قاسمی

حالا یک پروانه‌ام

مهدی نصیری

شیوه اجرایی نمایش «افشین قاسمی» به مراتب فراتر از متن رفته و حتی با ویژگی‌هایی که دارد برخی ضعف‌های متن را هم پوشانده است. طراحی و ساخت عروسک‌ها اولین نکته‌ای است که در این حوزه می‌توان به آن پرداخت؛ هشت عروسک نمایش در ابعادی کوچک با برجسته کردن ویژگی‌های فیزیکی و رعایت جزئیات به صورت کاریکاتور گونه ساخته شده‌اند و جزو محاسن کارگروه در زمینه اجرا محسوب می‌شوند که تأثیر زیادی هم در موفقیت نمایش دارند. ظاهر عروسک‌ها نخستین چیزی است که در کنار آرایش صحنه مخاطب را جذب کار می‌کند.

قالب محدود کننده فضای نمایش باطراحی خوب صحنه که برای اجرای Top Table چیده شده علاوه بر زیبایی آرایش امکانات لازم را برای نوع اجرا که با استفاده از فضای تاریک پس زمینه و عروسک‌گردانان سیاه‌پوش انجام می‌شود، فراهم آورده‌اند. همین صحنه آرایی امکان تقسیم رویداد گاه به سه بخش متفاوت پایین (سوسک پیر / گذار و بینابین) روی میز (عنکبوت / نفرت و تظاهر) و عقب (پروانه‌ها / دام) را فراهم آورده است. این سه بخش با توجه به کارکردی که از نظر فضا سازی دارند با تغییرات مناسب نورپردازی پرداخت شده‌اند و اجرای نمایش را بر اساس فضای داستان و موقعیت‌های مشخص تکمیل می‌کنند.

علاوه بر این موسیقی نیز با این امکانات اجرایی همراه شده و به جز در مواردی که باعث کاهش تأثیر آن می‌شود متناسب با نمایش عمل می‌کند. در واقع نمایش قاسمی شامل یک محور اصلی است که در آن عروسک‌ها قصه‌ای را روایت می‌کنند.

این محور در کنار محور روایی دیگری قرار گرفته که در آن دختر و پسری عاشق یکدیگر، در پی دریافت شناختی جدید، از عشق زمینی خود دست می‌کشند.

حضور معشوق وار پروانه‌ها و انتخاب نام دختر (پروانه) گذر از عشق مجازی به حقیقی، رسیدن به کمال مطلوب و ... نیز هرچند در هر دو داستان قابل تحلیل و بررسی هستند، اما به سختی می‌توانند بر هم انطباق پیدا کنند. بنابراین روایت دختر و پسر در نمایش تنها به صورت مقدمه و موخره‌ای اضافه ضعیف افزوده شده است و نیاز به آن اصلا در کار احساس نمی‌شود. اگر قرار بود که هدف و منظور نمایش توسط داستان به تماشاگر انتقال داده شود قاسمی بی‌تردید می‌توانست آن را در قصه عروسک‌هایش بیان کند.

«وآن‌گاه که تاریکی همه‌جا را گرفت و قرص ماه کامل شد، ملکه بر بالین امیرزاده جوان دسته‌های خون آلود خود را به چهره‌اش کشید و سه بار تکرار کرد: «خون مقدس، زیبایم بساز...»

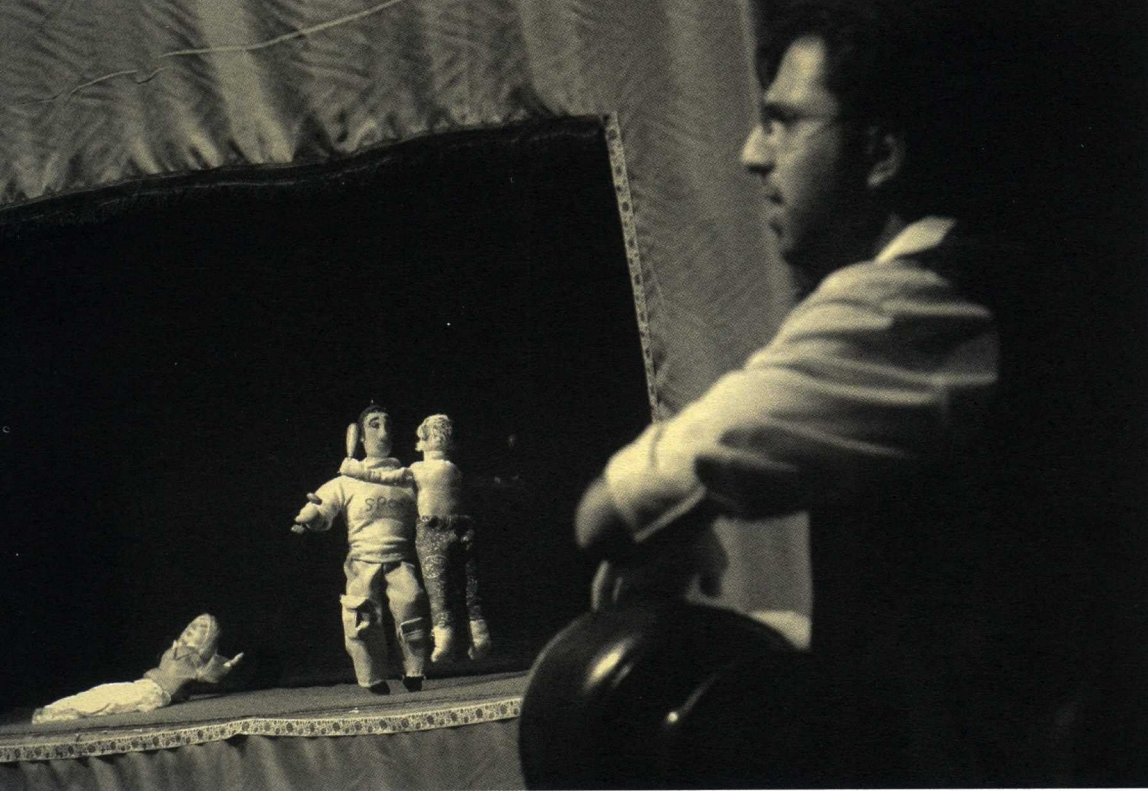
این قطعه کوتاه که در بروشور نمایش «عنکبوت پروانه‌ای» هم آمده است محمل اصلی داستان نمایش است که با در نظر گرفتن مقدمات قبلی و حوادث احتمالی بعدی یک داستان مستقل و کامل محسوب می‌شود. نمایش «افشین قاسمی» براساس محوریت چنین داستانی پرداخت شده و اگر تمرکز و تأکید آن کاملاً بر این محور صورت می‌گرفت مسلماً می‌توانست با نقایص کمتری به منظور و هدفش برسد.

«عنکبوت پروانه‌ای» که ظاهراً براساس یک ایده اولیه شکل گرفته‌است با دامن‌زدن به مضامین و موضوعات دیگر و یا اهمیت دادن به حواشی دچار نوعی شتاب زدگی شد که تمرکز بر روی یک تم اصلی و محوری را ناممکن ساخته است. واقعا تم اصلی نمایش چیست؟ «عشق»، «زیبایی»، «کمال» یا... البته ممکن است همه این مضامین همراه با هم در متن وجود داشته باشند اما آنچه مسلم است اینکه یکی از آنها باید محوریت پیدا کند و در ارتباط تم‌های دیگر تأثیر گذار باشد. یکی از مشکلات عمده نمایش قاسمی این است که تکلیف داستان آن با تم اصلی‌اش روشن نیست و به همین خاطر پرداخت ساختار داستانی‌اش و با آشفته‌گی و ابهام روبروست.

آن طور که به نظر می‌رسد محتوا و ژرف ساخت «عنکبوت پروانه‌ای» در رابطه با رسیدن به نوعی کمال است که فراتر از زیبایی و عشق غیر حقیقی مطرح می‌شود. البته داستان برای بیان این محتوا زمان زیادی را بی جهت تلف می‌کند و خیلی دیر به اصل مطلب می‌پردازد.

سقف کمال هرچند که نباید تعیین شود، اما تماشاگر براساس مختصات داستانی آن را می‌پذیرد. شاید یکی از محورهای مفهومی که قرار است با این تصویر جانشین شود - و مهمترین آن - زیبایی باشد. عنکبوت و حشرات موذی اطرافش چون تعبیر و تعریف درستی از زیبایی و کمال ندارند به دنبال مظاهر مجازی هستند. این در حالی است که در نقطه مقابل، تنها سوسک پیر با عمل فداکارانه‌ای که انجام می‌دهد کمال مطلوب را تعریف می‌کند. سوسک پیر آن‌جا که به دار آویخته می‌شود فریاد می‌زند: «من حالا یک پروانه‌ام!» او در حقیقت تنها شخصیتی است که به معنای واقعی کمال می‌رسد و پروانه می‌شود.





به بهانه اجرای «مرگ مبارک» نوشته و کار حامد ذبیحی

اتخاذ می‌کنند. پس جای تعجب نیست وقتی در اجرای حامد ذبیحی در دل این ژانر، مرگ به خیمه عروسک‌ها پا بگذارد و ما بیش از آن هم فهمیده باشیم مبارک رو به موت است.

مرگ قدم به خیمه گذاشته تا یکی از عروسک‌ها را شکار کند و نام اجرا نیز مرگ مبارک است تا این مرگ و این اجرا بعدی استعاری پیدا کند، استعاره از فراموشی و نابودی بعد دیگری از میراثی که سنتی می‌نامندش و البته مؤلفه و مشخصه تمدنی است که حالا ما به آن فخر هم می‌فروشیم.

ذبیحی در حالی استعاره مرگ (و نه مرگ) مبارک را طرح می‌کند که خود، مبارک را با گفتاری دیگر (امروزی) به صحنه می‌آورد و اگر چه در ساختار اجرای خیمه شب بازی به همان مؤلفه‌های همیشگی وفادار است اما

از زمانی که فرنگ رفته‌ها آهنگ بازگشت کردند و تجدد به‌عنوان سوغاتی از فرنگ آمده، همراه آن‌ها وارد تهران، پایتخت قجرها شد تا به حال بحث بین نو و کهنه، مدرن و سنتی و سایر ترکیب‌های متضاد پر خاسته از سنت و تجدد، در ایران ادامه دارد.

این بحث در تمامی حیطه‌ها و حوزه‌های زندگی ایرانی‌ها زنده است و هنوز هم پس از گذشت سال‌ها از زمان بازگشت اولین مسافران دیار فرنگ به ایران تکلیف ما با سنت و تجدد روشن نشده است. در حوزه فلسفه، در حوزه هنر، در حوزه دین، در حوزه علوم اجتماعی، در حوزه علم، در حوزه ادبیات و... هنوز هم سنت برای برخی آنقدر جذابیت دارد که خواسته و ناخواسته چشم به روی تجدد و مصادیقش می‌بندند و در مقابل، برخی آنچنان شیفته تجدد می‌شوند که نه تنها سنت، بلکه هر چیزی که رنگی از گذشته داشته باشد را طرد می‌کنند و لعن.

در این بین اما کم پیدا می‌شوند کسانی که بتوانند به سلامت از مرز این دو واژه (تأکید می‌کنم واژه) بگذرند و پس پشت این بحث‌ها و فحش‌ها حداقل در دنیای هنر جغرافیایی دیگر را ترسیم کنند که بیش از ریشه داشتن در سنت یا تجدد، ریشه در ذاتی آفرینش گرانه داشته باشد.

هنوز هم تعریف موسیقی سنتی ایران در نزد برخی آنقدر خشک و بسته است که نمی‌شود، جز آن را اجرا کرد و نام سنتی بر آن نهاد و برای برخی نیز موسیقی سنتی بستری است برای ارائه خلاقیت حتی در اجرای صدفاره ردیف مثلاً میرزا عبدالله.

در عرصه هنرهای نمایشی نیز وضع به همین منوال است، برخی مثلاً تعزیه یا تخت حوضی را تنها به شکل تعزیه و تخت حوضی خوش می‌دارند و می‌پسندد و برخی با تحقیق و پژوهش در عرصه نمایش‌های سنتی جغرافیایی تازه‌ای را براساس استفاده از امکانات اجرایی این نمایش‌ها بر صحنه شکل می‌دهند. جغرافیایی که خواندن متنی چون «ندبه» اثر بهرام بیضایی آدرس و موقعیت آن را در اختیارمان می‌گذارد. خیمه شب بازی نیز با آن عروسک سیاه قرمز پوش دوست داشتنی‌اش از جنس همان سنت است و عاشقان اینگونه نمایش هم هنوز همین دو موضع را در رویکرد به این گونه نمایش

سایه‌های لرزان یک جنگ همیشگی

محمدرضا رستمی

می‌کوشد تغییراتی نیز در دل این اجرا متناسب با شرایط روز ایجاد کند. در عین حال اما پای مرگ استعاری را هم وسط می‌کشد تا تقابل همیشگی سنت و تجدد باز هم به سنتی زاینده منجر نشود.

با این همه اما ذبیحی که جوان است و علاقه‌مند به دنیای خیمه‌شب بازی در اولین قدم اجرایی شسته و رفته را در مقابل دید تماشاگر سامان می‌دهد. اجرایی که شاید برایستان بر لبه سنت و تجدد هنوز تکیه گاهی در خور نیافته است، اما مسیرش را برای جمع این اضداد پیدا کرده است و می‌تواند در همین مسیر ترسیم شده، قدم بزند.



EVERY THING IS A PUPPET HANDS AS PUPPETS

In the first day of workshop Mr. Pessiani talked about the differences of a workshop and seminar. he said that here is not a seminar or class room with a defined syllabi .We are all attendant of seminar with equal approaches. We'll have try our best to gain whatever we can. I relay on my experiences to remind you some points. Hence we should perform instead of asking

It is a quite different .It is not the same experience and approach toward Puppet Theater. We are here

for a totally different enterprise in a short term course. The participants are students of dramatic arts, industrial designing, and sports and troupes from Tehran Qom , Bushehr and other cities. Pessiani asked the participants to define their approaches of puppet .Then he asked them to erase their prejudices of puppet show in order to reach a better understanding of a thing. It is a quite different experience be cause it is different from theater and silver screen and needs a a mutual understanding between the performer and the audience.

Family outing

The 11th Tehran International Puppet Theater Festival – Mobarak is a family outing. It should be mentioned that normally children do no venture in City Theater Complex but on occasion of the Puppet Theater Festival – Mobarak many children came along their respective families to the performance halls. Street theaters were crowded with children and their parents as well. Beside the audience artists authorities if Theater brought their families.

terminate in 3 minutes

In performance of Melancholy of Passing Time every thing terminate in 3 minutes. It is a work of Jose Luis Navarro from Spain. It is the shortest text in the festival totally different .In each performance 25 audiences will see the staging. It is for adults.

RITUAL PUPPETS AND DOLLS OF IRAN

Poopak Azimpour

The title covers three main entries or key words of Iran, Ritual, and Puppets in the whole historical scope of the country.

Due to the shortage of time I point out to four categories only.

- 1-Rain seeking puppets
- 2-Sun shine seeking Puppets
- 3-Spring singing puppets
- 4-Prayers puppets

1-Rain seeking puppets

Iran has an arid and semi arid climate. Due to a fables and rich mythology since the ancient time, people pray for rain as in some other parts of the world. In draught time people pray and donate for rain. In each part of the country the rituals differ due to race, language and religion. But rain seeking is similar in all parts with some slight differences. The Puppets are hand made and the puppet makers use innocent children who are not polluted by sins. They sing sad songs and cry for rain and the grown ups come and sprinkles the puppets with splash of water and makes the children happy. Then they pray in a group and ask God to send them rain. After the rain they put the puppet in the river bank or near the holy place. It may rain and people make people happy, or it may not. But anyone become disappointed. They conclude that there are some sinful people among them. The puppets are very simple in structure. A cross of two sticks with colorful dress of dolls. In Azerbaijan and Guilan they make the puppets by wood spoons and clothes them as baby girls

2-Sun shine seeking Puppets

In some regions that is wet and cloudy most of the time there are some rituals for Sunshine. People go out singing in chorus for sun shine, The main rituals are in Guilan and Mazandaran Provinces in the south of The Caspian Sea. The most famous puppet of this kind is Katireh Guisheh meaning Bride of

spoon. They cover a big wooden soon with colorful cloths and knock on the doors by a clergy or a holy person and sing songs.

3-Spring singing puppets

In some regions like Azerbaijan there are some rituals for coming of the Spring. One or two singers go out singing in chorus with puppets of ram or goat and some parts camel and fox, The main rituals are in. The most famous puppet of this kind is Teke meaning goat. They cover a big puppet with colorful cloths and knock on the doors sing cheerful songs. In Lorestan and Turkmen Sahara and Kurdistan such rituals are very common.

4-Prayers puppets

In Khorasan, Isfahan and Shiraz there are some rituals for donation of food specially a kind of soup that is known as Ash. They cook it for relief. They make two puppets of different sex. A male and female. Abo darda and Abdarda's wife. They put the dolls in the pot and boil them with the soup. They pray and then they take out the dolls and put them in a earthen bowl and throw them in running water. They donate the soup or food among the poor and homeless people. The general belief is that if the ailing person recovers then he should cook once a year of this food and donate to the poor and homeless. Such rituals are not very frequent recently.

Mobarak 3

5Sep
2006

Daily Bulletin of The 11th Tehran International Puppet Theater Festival – Mobarak



فاطمه معتمدآریا - حمید جبلی - کامبیز صمیمی مفخم ...
سال‌هایی نه‌چندان دور